

بررسی محتوایی مثنوی «تحفه الاحباب» شیخ عبیدالله نهری باتاکید بر تحلیل‌های عرفانی

پروین پارسا^۱، فرهاد کاکه‌رش^۲

چکیده

تحلیل و شناخت آثار ادبی، رویکردی علمی و روش‌مند در مباحث سبک‌شناسی است و در شناخت و بررسی شیوه خاصی که شاعر برای بیان مفاهیم در اثر خود، از آن استفاده نموده، اهمیت بسزایی دارد. تحفه الاحباب منظومه عرفانی اثر شیخ عبیدالله نهری (۱۳۱۰-۱۳۴۷ ه.ق) شاعر و عارف کرد در عهد قاجار است که در قالب مثنوی و در معرفی فرقه نقشبندیه، افکار و تعلیمات و رفتار آنان سروده شده است. تحفه الاحباب را می‌توان از جنبه‌های بسیاری مورد بررسی قرار داد؛ اما آنچه در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود، تحلیل عرفانی کتاب است و با همه اهمیتی که دارد تاکنون هیچ تحقیق منظم و مشخصی در معرفی آن نگرفته است. نگارندگان برای دستیابی به این هدف، از روش تحقیقی توصیفی-تحلیلی استفاده کرده‌اند و به این نتایج دست یافته‌اند که شاعر در پیروی از طرز مثنوی سرایی صوفیانه شعر کلاسیک و تعلیمی، جایگاهی داشته و توانسته با نگاهی نو، در تعلیمات تصوف به‌ویژه نقشبندیه، مضامین گیرا و دلکش، تلمیحات عرفانی و ادبی، زبان روان و موزون در مثنوی، به این اثر ادبی و عرفانی تشخیص خاصی ببخشد. ناظم سبک خاصی در معرفی عارفان و پرچمداران طریقه نقشبندیه دارد و در سرودن کتاب به مثنوی مولوی نگاه ساختاری داشته است.

کلیدواژه‌ها: تحفه الاحباب، شیخ عبیدالله نهری، سبک‌فکری، مضمون، تحلیل‌های عرفانی

Pavin.Parsa@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

^۲ استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. (نویسنده مسئول) farhad_kakarash@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

مقدمه

عرفان در لغت به معنای شناخت و شناسایی و در اصطلاح، معرفت قلبی است که از طریق کشف و شهود حاصل می‌شود. کسی را که واجد مقام عرفان است، عارف و دانشی را که مبتنی بر عرفان است، معرفت می‌خوانند. (انصاری، ۱۳۷۸: ۹) عرفان و تصوف در بسیاری از اقوام و ملل و مذاهب مختلف جهان و حتی مکاتب فلسفی شایع و رایج است و مکتبی تأثیرگذار در زبان و اندیشه، در تاریخ، فرهنگ و ادبیات اسلامی و ایرانی بوده است. «در زبان گویندگان پارسی، اصول و مبانی این تفکر فراگیر گاهی به احترام و وقتی با اصلاح و دگرگونی یاد شده است». (حائری، ۱۳۸۶: ۵) عرفان و تصوف در تاریخ و تحول و فراز و نشیبش، بخشی از تاریخ و فرهنگ گذشته ما بوده و اکنون هم به مانند مکاتب دیگر مکتبی است در جهان اسلام و ایران که به‌ویژه در کردستان جریان دارد.

شعرا و نویسندگان با خلق آثار خود، از نظر علمی، ادبی، هنری و... ارزش و اعتباری را کسب می‌نمایند. یکی از این معتبران شیخ عبیدالله نهری (زاده ۱۸۲۶/۱۸۲۷ - درگذشته ۱۸۸۳/۱۸۸۴) است. وی که یکی از شخصیت‌های مذهبی، عرفانی، سیاسی و اجتماعی بنام کرد در عهد قاجار است؛ با سرودن منظومه تحفه الاحباب در شعر و ادب فارسی هم نقشی ماندگار به جا گذاشته است. تحفه الاحباب شیخ عبیدالله نهری کتابی است که در چند بخش کلی منظوم شده است و به‌طور کلی، در معرفی مشایخ و بزرگان و تعلیمات نقشبندی، سیر و سلوک و مباحث عرفانی کوشیده است. در تحفه الاحباب دورنمایی از هنرنمایی‌های مزین به صنایع ادبی با تصاویر ساده و قابل فهم برای همگان نشان داده می‌شود تا ویژگی‌ها و زمینه‌های مشترک لفظی و نحوه بیان و اندیشه و بینش شیخ عبیدالله نهری در این اثر ادب فارسی باز نموده شود. نهری در مثنوی تحفه الاحباب که متنی عرفانی است، با تکیه بر پیوند دیرینه عرفان و زیبایی، برای بیان دریافت‌های خویش، از ابزارهای گوناگون استفاده می‌کند تا پیامش را به‌آسانی انتقال دهد.

پژوهش حاضر با تکیه بر تحلیل اندیشه‌های عرفانی در مثنوی «تحفه الاحباب»، نگارندگان را بر آن داشت به تحقیق و پژوهش در این منظومه بپردازند تا این اثر ناشناخته معرفی و زمینه پژوهش‌های دیگر در این مورد فراهم گردد.

زبان عرفان برای خود، درجات مختلفی دارد؛ به‌طوری که در برخی کتب صوفیه با زبانی ساده و همه‌فهم روبرو هستیم. بیانی صادقانه، دل‌نشین و شاعرانه، مباحث مختلف عرفانی

و گاه اجتماعی، تذکر دادن نکات مهم در مباحث و برجسته کردن آن‌ها، از خصوصیات منظومه تحفه الاحباب است.

پیشینه تحقیق

در بررسی‌ها و جستجوهای فراوان، منبع یا مرجعی در بحث مورد نظر ما پیدا نشد. تنها، حکیم گیلانی زاده، یکی از نوادگان نهری، در یک وبلاگ شخصی بسیار مختصر و بدون ارجاع و استناد به منبع، به نهری و این کتاب اشاره کرده که نگارنده در این نوشتار از آن نیز بهره برده است.

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و گردآوری مطالب به صورت فیش‌برداری است. بدین صورت که اصطلاحات و مضامین عرفانی در منبع اصلی تحقیق یعنی کتاب تحفه الاحباب، استخراج، جمع‌آوری و تحلیل شده است.

بررسی و تحلیل متون عرفانی در آثار ادبی یکی از ضروری‌ترین فعالیت‌ها به منظور فهم و تفسیر آن‌هاست. تاکنون درباره واکاوی عرفانی تحفه الاحباب نهری، پژوهشی صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار صورت می‌گیرد و نوآورانه است.

بحث و بررسی

اغلب شاعران کُرد تحت تأثیر قرآن کریم و آموزه‌های اسلامی مکتب‌خانه‌های بومی و مساجد و مدارس دینی و خانقاه‌ها، ذهن و زبان و اندیشه‌هایشان به مفاهیم اسلامی و عرفانی مزین و آراسته بوده است و با توجه به استعداد ذاتی و ذوق هنری و شاعری در زیباترین جلوه‌های کلام و ادبیات توانسته‌اند هنرآفرینی کنند و آن مفاهیم و مضامین را در بیان آورند. از طرف دیگر، یکی از هنرهای ترجیحی از قرن ششم تا به امروز به‌ویژه در شعر کلاسیک فارسی استفاده از تلمیحات و اشارات و تلمیحات اسلامی، عربی و عرفانی بوده و شاعران کُرد هم به این موضوع توجه کرده و هم تحت تأثیر شاعران بزرگ فارسی بوده‌اند و تا حد توان و معمول به این کار در شعر خویش مبادرت ورزیده‌اند، به طوری که بسیاری از دیوان‌های شعر کلاسیک کُردی نیاز به شرح و تفسیر دارد و از این زاویه پژوهش در آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

شیخ عبیدالله نه‌ری

شیخ عبیدالله نه‌ری (زاده ۱۸۲۶/۱۸۲۷ - درگذشته ۱۸۸۳/۱۸۸۴) (۱۹۰ سال پیش)، فرزند شیخ طه نه‌ری متخلص به نه‌ری و معروف به شیخ عبیدالله کرد هم‌دوره ناصرالدین‌شاه در ایران است. شیخ طه نه‌ری فرزند سید احمد از اقطاب معروف سلسله نقشبندیه و از خلفای مولانا خالد نقشبندی است که نسب وی از طریق شیخ عبدالقادر گیلانی به امام حسن بن علی^(ع) می‌رسد. شیخ عبیدالله نه‌ری اگرچه یکی از شخصیت‌های مذهبی، عرفانی، سیاسی و اجتماعی بنام کرد در عهد قاجار است؛ اما با سرودن منظومه تحفه الاحباب در شعر و عرفان فارسی جایگاه خاصی پیدا کرده است. وی بعد از اتمام فصل اول کتابش در سال (۱۲۹۴ ه.ق.) بارها به زیارت شیخ عبدالقادر گیلانی در بغداد رفته است. او در اثرش اشاره‌ای زیبا به این موضوع دارد:

گر ز فیض بحث شه ماندیم دور	در رسید از غوث اعظم فیض و نور
مدتی زین بحث گر مهجور شد	دل ز سوی دیگری پرنور شد
از زیارتگاه فخر خاص و عام	غوث اعظم قطب عالم بر دوام
گشت دل چون موسی و چون شهد طور	صحن سینا در مثل چون نار نور

(نه‌ری، ۱۳۹۴: ۱۰۵)

وفایی (۱۸۴۴ میلادی) شاعر کُرد زبان، در همان دوران جوانی شعرهایش نقل هر محفلی بوده‌اند. آوازه شعرهای وفایی به گوش شیخ عبیدالله نه‌ری می‌رسد؛ شیخ، وفایی را دعوت و با وی ملاقات می‌کند. وفایی در بیست‌سالگی به عزم استانبول از مهاباد بیرون می‌رود، اما پس از رسیدن به نه‌ریه و ملاقات شیخ عبیدالله شمزینانی از ادامه سفر منصرف شده همان‌جا می‌ماند و به طریقه نقشبندیه تمسک می‌کند. (بابامردوخ روحانی، ۱۳۸۲: ۷۱) وفایی در یکی از مثنوی‌هایی که تاکنون در هیچ‌یک از دیوان‌های شعری منتشر نشده این‌گونه به این موضوع اشاره می‌کند:

«بعد سی سال کم و بیش از قضا	بی‌خبر از گفتگوی ما مضمی
رهگذار من به شمزینان فتاد	حق تعالی رزق من آنجا نهاد
شیخ شمزینان که دل آگاه بود	مرشد آن عصر عبیدالله بود»

(مجله سرو، ۱۳۷۱: ۷۲ / ۲۱)

وفایی، مرشد و پیر خویش را این‌گونه توصیف می‌کند:

«وصف آن سلطان اقلیم رشاد
اولیا تحت لـوای خالقند
من چگونه دم ز وصف او زخم
بودم اندر خدمت آن خوش خصال

ناید اندر ذهن و تعریف عباد
بندگان بر حالشان کی فایقند
تا قیامت گر بگویم الکنم
کاتب دیوان او تا هفده سال»
(همان)

از گفته‌های وفایی چنین برمی‌آید که وی فردی بسیار آگاه و عالم بوده و بیشتر کتاب‌های زمانه خود را مطالعه کرده است؛ زیرا در جایی به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: «دو مهمان از بخارا و کشمیر به خانقاه نه‌ری آمده بودند و غزل‌هایی را می‌سرودند که من هرگز این غزل‌ها را نه در هیچ کتابی خوانده‌ام و نه از کسی شنیده‌ام» (قاضی خضری، ۱۳۷۶: ۲۰). تجربه‌های عشقی وفایی که به مدد پیر و مراد خود، شیخ عبیدالله نه‌ری بدان‌ها واصل شد اندیشه بکر و عمیق او را دوچندان با ظرایف و لطایف شعری درآمیخته و موجب شده معانی بدیعی بیافریند که وی را سرآمد شاعران هم‌عصر خود کند.

تحفه الاحباب

«تحفه الاحباب»، مهم‌ترین اثر عرفانی، علمی و ادبی شیخ عبیدالله نه‌ری به زبان فارسی است که نزدیک به شش هزار بیت دارد. شیخ عبیدالله همچنین تاریخ دقیق این اثر (سال ۱۲۹۳ ه.ق) را نیز با عبارت «عاشق روی خدا» به حساب ابجد مطابقت داده است. این کتاب مشتمل است بر مجموعه‌ای از اندیشه‌های عرفانی، دینی، اجتماعی و شرح احوال بسیاری از بزرگان تصوف به‌ویژه طریقت نقشبندیه و ثبت و ضبط بعضی وقایع دوره شاعر که به زبان ساده، روان و شیوا و سبک مثنوی مولوی و تعلیمی و روش سلوک، به اهتمام سیداسلام دعاگو، اولین بار در سال ۱۳۹۴ ش بر اساس چند نسخه خطی، توسط نشر حسینی اصل ارومیه به چاپ رسیده است. این مثنوی از لحاظ محتوی به چند بخش مجزا قابل تقسیم است:

الف) مباحث عرفانی و مطالب روحانی و ارشادات طریقتی در باب سیر و سلوک و معارف صوفیه و تحمیدیه‌های عارفانه

ب- شرح حال شاه نقشبند بر اساس گزارش‌های مستند به‌ویژه بازگویی‌های خواجه
علاءالدین عطار

ج- شرح حال مشایخ مقدم بر ناظم از جمله مولانا خالد و سادات نهری

د- شرح وقایع و حوادث زندگی ناظم از جمله سفر وی به بغداد برای زیارت شیخ
عبدالقادر گیلانی (گیلانی زاده، ۱۳۹۰)

نقشبندیه

نقشبندیه یکی از طریقت‌های مهم و معروف تصوف و عرفان است که منتسب به خواجه
بهاءالدین محمد نقشبند بخاری (۷۹۱-۷۱۸ هـ ق.)، است (سجادی، ۱۳۷۹: ۲۳۰)
نقشبندیه شاخه‌ای منشعب از سلسله خواجگان است که اصل آن به عارف ایرانی خواجه
یوسف همدانی بازمی‌گردد. بعدها این سلسله «دامنه نفوذش از آسیای میانه و خراسان تا
هند و کردستان و شبه‌جزیره بالکان کشیده شد و با دو ویژگی اصلی در جهان اسلام
شناخته شد: اول، تأکید بر اجرای احکام شریعت و پرهیز از پذیرش هرگونه بدعت و
دوم پافشاری بر اعتقادات مذهب اهل سنت.» (حامدالگار، ۱۳۹۸: نه) طریقت نقشبندی
که سلسله خود را به ابوبکر صدیق می‌رساند، از طریق مولانا خالد نقشبندی کردی به
کردستان رسید. ایشان به نزد غلام علی دهلوی رفتند و بعد از کسب اجازه ارشاد به
کردستان برگشتند و بعد به سوریه رفتند و در آنجا به ارشاد پرداختند. معروف‌ترین
شاگردان ایشان، شیخ عثمان سراج‌الدین نقشبندی اول، شیخ عبیدالله نهری شمزینان، شیخ
محمد بهاءالدین نقشبندی و... است.

محتوای تحفه الاحباب

مدح و حمد

حسین رزمجو در کتاب انواع ادبی و آثار آن، در تعریف حمد می‌گوید: «حمد به معنی
ستایش کردن و ستودن خصلت‌ها و صفات نیک کسی است و شعر مدحی، ستایشی
است که شاعر از ممدوح خود می‌کند و ضمن آن سجایای اخلاقی وی را برمی‌شمرد و
از رفتار و موفقیت‌های او تمجید می‌نماید و زبان به بزرگ داشت وی می‌گشاید.»
(رزمجو، ۱۳۷۴: ۸۹) شعر فارسی نخستین بار در قالب قصیده و با رویکرد مدیحه‌سرایی
آغاز شد و محمد بن وصیف سیستانی در قصیده‌ای یعقوب لیث را ستود. از آن پس در
تمام دوران‌ها، ستودن ممدوح در شعر فارسی مقامی ممتاز یافت. این ممدوحان گاهی از

وزیران و امیران و ارباب دولتند گاهی شاعر، دوستان خویش و اهل علم و تقوی و دانشمندان و هنروران را می ستاید و گاه به ستایش اولیای دین، رسول اکرم^(ص) و خلفای راشدین و ائمه اطهار^(ع) و پیشوایان دین ها و مذهب های گوناگون می پردازد. زرین کوب درباره اشعار مدحی در نقد ادبی می گوید: «شعر مدحی تنها به امرا و محترمان اختصاص ندارد، بلکه در ادب فارسی بسیار است مدیحه هایی که در حق پیامبر^(ص) گفته شده است یا درباره ائمه دین علیهم السلام به صورت نعت و منقبت به سلک نظم درآمده است این دسته از اشعار در ردیف شعر تعلیمی و دینی مورد بحث قرار می گیرند.» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۶۱)

بخش اعظم منظومه تحفه الاحباب، به مدح و توصیف و گزارش های حالات شاه نقشبند اختصاص دارد و با سبک خاص در مدح شاه نقشبند به نظم درآمده است. شاعر در آغاز تحفه الاحباب، به مناجات حق می پردازد و شیوه خاص مدح پردازیش از همین مناجات مشخص می شود و این گونه در بحر متقارب به عنوان مقدمه می آغازد:

الهی به نامت شدم از عدم	به نام توهم رخت آنجا برم
به نام تو باز از سوی آن دکان	به پیشت کشم جمله سود و زیان
که تحریر و فکر و خطورم به توست	حیات و ممات و نشورم به توست

(نهری، ۱۳۹۴: ۱)

اما بعد از ۵۰ بیت، گویی اصل و آغاز کتاب اینجاست که به سبک مولوی و بر همان وزن، مناجات وار، می گوید:

ابتدایم شد به نام ذوالجلال	خالق و رحمان و حق بی زوال
هم علیم و هم حکیم و هم رحیم	مالک الملک و خداوند عظیم
حمد بی حد و ثنای بی عدد	منعمی را کاو بود فرد و صمد
گوش کن سر کلام رهنمون	گفت حق کل الینا راجعون

(همان، ۷)

در آخر همین مناجات یکصد و پنجاه بیتی، گریزی ظریف دارد و به شاه نقشبند به عنوان مرد کامل اشاره می کند:

از بهاء الدین شاه نقشبند	رو تو استمداد کن، ای مستمند
--------------------------	-----------------------------

چون سخن از روی شاهنشه رسید
واجب آمد در مقاماتش دوید
در مقامات بهاء‌الدین سخن
گفت باید کرد در هر انجمن
(نهری، ۱۳۹۴: ۹)

نهری در بیش از ۱۵۰۰ بیت از آغاز تولد شاه نقشبند تا مقامات و حالات و زندگانی او، به مدح و توصیف و القاب و عناوین وی می‌پردازد و بیش از یک‌چهارم حجم منظومه را به این توصیفات و تحمیدات و شرح حالات و کرامات و تعلیمات روحانی شاه نقشبند، اختصاص می‌دهد. او هنرآفرینی‌های زیبایی در لفظ و معنا دارد و گستردگی ذهنی و وسعت تسلط بر ذخایر واژگان و ترکیبات زبان فارسی را نمایان می‌سازد. در بیان ولادت شاه نقشبند، وی را با زیباترین و اغراق‌آمیزترین واژه‌ها می‌ستاید و از اصطلاحات و نمادها و نشانه‌های عرفانی در کلام و بیانش سود می‌جوید. اصطلاحاتی چون: مقتدا، مرید، قطب، قدسیان، عرشیان، اولیاء، اصفیاء، عشق، ولایت، بحراعظم، ولی کامل و... می‌گوید:

خواجه سادات و آقای همه
مقتدا و رهبر این زمزمه
پیشوا و رهبر اهل شهود
مقبل و مقبول و سلطان ودود
او ولی بود و هنوز او نطفه‌ای
بحر اعظم بود در تن قطره‌ای
(همان)

پیران تصوف

شیخ عبیدالله، در ادامه از احوال شاه نقشبند به مریدی خواجه باباسماسی اشاره می‌کند و مجذوبی او را گزارش می‌کند. همچنین می‌گوید که شاه با سروش غیبی در ارتباط روحانی بوده و مقام عرفانی وی پس از مرگ باباسماسی، رفعت می‌یابد. اشاره عبیدالله به کرامات و رفتارهای خارق عادت که از ایشان مشاهده گردیده و این که چرا لقب او اویسی به او نسبت داده‌اند، با حسن تعلیل‌های عاشقانه و تحلیل‌های عارفانه همراه است. نهری سعی دارد اسرار صوفیانه را به مخاطبان و پیروان خویش، آموزش دهد و بهترین شیوه تعلیمات خویش را در مطروف شعر و مثنوی فارسی می‌داند. برای مثال، درباره خواجه باباسماسی می‌گوید:

شد روایت از علاء‌الدین راد
گفت ای فرزند من پیری گزین
در حق آن حضرت والانژاد
زان که بی رهبر نباشد راه دین
رو سوی سماس آن پیر زمان
نیست کس چون خواجه بابا بی‌گمان

با کمال ذوق و وجد بی قیاس من برفتم خدمت قطب سماس

(نهری، ۱۳۹۴: ۱۳)

رویکرد اجتماعی - اجتهادی نهری

نکته مهم در تحفه الاحباب، موضوع خاص دستور جهاد شیخ عبیدالله با روسیه به پشتیبانی عثمانی در زمان سلطان عبدالحمید است. شرکت شیخ عبیدالله در این جهاد، باعث تأخیر در اتمام این مثنوی شده است. بنابراین شیخ عبیدالله بخش اول مثنوی را قبل از جهاد با روسیه (۱۲۹۴ ه.ق) سروده است و سپس در این سال برای زیارت شیخ عبدالقادر گیلانی به بغداد رفته و در مراجعت به خواهش سلطان عبدالحمید برای جهاد با روسیه آماده شده است. (گیلانی زاده، ۱۳۹۴) وی دو غزل عارفانه در توصیف زیارت آرامگاه شیخ عبدالقادر گیلانی به زیبایی سروده و باز از ترکیبات و مفاهیم و مضامین عارفانه در بیان آن سود جسته است. نهری با اشارات و تلمیحات عرفانی و گاه دینی و قرآنی در حضور روحانی محبوبش هنرآفرینی کرده و می گوید:

ای غیاث المستغیسین جان فدا آورده ایم

شد ز تو در سر ندا جان را فدا آورده ایم

باغداد آمد مقامت ای شه داداوران

داد و بیداد دلم در باغداد آورده ایم

نیست جز درگاه محی الدین غوث خاص و عام

ملجاً کس را از آن ما هم رجا آورده ایم

نهریا شد از خجالت روی تو چون زعفران

سرخ رو باز آ که پیشت غم نما آورده ایم

(نهری، ۱۳۹۴: ۹۴)

همچنین می گوید:

چون ز جانان یافت مطلب دل ز دلبر شاد

از نسیم باغدادش باغ دل آباد شد

آستان بوسی آن درگاه کیوان جاه غوث

آرزوی جان و دل بُد جان از آن بس شاد شد

نهریا خرسند باش و دل قوی دار از امید

چون تو بس عاصی از این در مقبل و دلشاد شد

(همان: ۴۴)

و در اینجا با یادآوری ضمنی سبب تاخیر و وقفه در ادامه مثنوی را با تأثیر از مثنوی مولوی مطرح می‌کند:

بهر دیگر کار حق چون امر داد	در کتاب شاه تأخیری فتاد
گر ز فیض بحث شه مانندیم دور	در رسید از غوث اعظم فیض و نور
مدتی زین بحث گر مهجور شد	دل ز سوی دیگری پرنور شد
از زیارتگاه فخر خاص و عام	غوث اعظم قطب عالم بر دوام
گشت دل موسی و شهد غوث طور	صحن سینا در مثل چون نار و نور
در تجلی هست موسی وار، دل	گاه شیدا گه کلیم و گه مدل

(نهری، ۱۳۹۴: ۱۰۵)

شیخ عبیدالله در میان کردهای ایران و عثمانی نفوذ کلام زیادی داشت و مردم فراوانی گرد وی جمع شده بودند. به همین جهت دو دولت ایران و عثمانی سعی در جلب همکاری و کشیدن وی به طرف خود داشتند. در جنگی که بین عثمانی‌ها و روس‌ها اتفاق افتاد، شیخ عبیدالله به جهت هم‌مذهب بودن با عثمانی‌ها به نفع آن‌ها اقدام کرد و با سی هزار سواره و پیاده موجب شکست روس‌ها گردید. از این جهت بین عثمانی‌ها مقامی بلند دارد.

در بخش دوم کتاب سراینده گزارش روزانه و کیفیت احوال سفر مهم جهاد شهر همراه بایزید جوان که به تشویق دولت عثمانی در زمان سلطان عبدالحمید و با روحیه مبارزه با کفار و روسیه تقریباً در سیصد و شصت بیت به صورت منظوم می‌آورد و با این دو بیت این بحث را می‌آغازد:

باعث تاخیر آن شد مدتی	تا ز سوی غوث کردم رجعتی
چون رجوعم از زیارتگاه شد	امر آمد از سوی دولت به جد
که کنم ترویج و تشویقی تمام	بر جهاد روس بهر خاص و عام

(نهری، ۱۳۹۴: ۱۰۷)

بر اساس اعتقاد و باوری که عثمانی دارد سلطان عبدالحمید را دین پرور عدالت‌گستر و انوشیروان وار می‌داند و او را سایه خدا می‌داند:

شاه دین پرور عدالت گسترید	بود سلطان زمان عبدالحمید
جمله غرق جود آن شاه کریم	گشت در ظلش جهان دارالتعمیم
در سخا حاتم یکی از چاکران	خوشه چین عدل او نوشیروان
چون سلیمان است و دیگر خسروان	نسبتش با جمله شاهان جهان
کرد استیلا به ملک مسلمین	دولت روس از غرور کبر و کین
که بیاید ای گروه غازیان	هم به کردستان خبر دادم از آن
عسگری جمع آمد و بیرون ز عد	از سر تأیید و توفیق صمد

(نهری، ۱۳۹۴: ۱۱۴)

ناگفته نماند پس از آنکه شیخ توانست در چندین جنگ با روسیه پیروز شود، در بازگشت از سلطان عثمانی انتظار داشت که در اجرای تعهدات اجتماعی و سیاسی و برابری‌های اقتصادی با وی موافقت داشته باشد اما در کمال ناباوری با او بدرفتاری می‌شود و به وعده‌های قبل از جنگ برای شیخ و محدوده جغرافیایی که اغلب از مریدان او بودند عمل نشد. شیخ بر اساس اختیارات و قدرت خویش در منطقه زیر نفوذش به این نتیجه رسید که قدرتی فراهم آورد و دامنه نفوذ خود را گسترش دهد «تا آنجا که بساط خط را درنوردید و به فکر عمارت و سلطنت افتاد و کوشید تا کردها را متحد کند و تحت یک اداره درآورد» (روحانی، ۱۳۹۰: ۵۴۶) وی در همان زمان که ضعف دولت عثمانی دیده می‌شد به پشتیبانی از دایره نفوذش در کردستان ایران و ترکیه قیام خویش را آغاز کرد و در نهایت با همکاری ایران و روس و عثمانی قیام او شکست خورد و توسط دولت عثمانی به سرزمین حجاز و مکه تبعید شد و در همان‌جا درگذشت.

وصف رجال نقشبندیه

یکی از تازگی‌ها و برجستگی‌های این اثر عرفانی معرفی شخصیت‌ها و مرشدان تأثیرگذار و صاحب مکتب و اقطاب طریقت نقشبندیه است که هر یک می‌تواند به تاریخ عرفان و تحولات تصوف اسلامی غنا ببخشد و نقش تاریخی این سلسله را بیشتر نمایان سازد. به‌طور مشخص شیخ عبیدالله علاوه بر معرفی و گزارش‌های احوال و ادکار شاه نقشبند، به دو دوره مشخص در سیر تحولات نقشبندیه اشاره می‌کند دوره قبل از خالد نقشبندی شهرزوری و دوره بعد از آن. در دوره قبل از مولانا خالد شخصیت‌هایی چون

خواجه سماسی، خواجه عبدالخالق خط دوانی، مولانا شمس‌الدین، مولانا بهاء‌الدین دیک کرانی، سید امیر کلال، شیخ عبدالقادر گیلانی، عبدالرحمان جامی حضور داشته‌اند که مورد توجه نه‌ری واقع شده‌اند. شیخ عبیدالله نه‌ری مولانا خالد نقشبندی را دوران‌ساز تاریخ تصوف نقشبندی و حتی تصوف اسلامی می‌داند و به ویژه شاگردانی را که پس از او در کردستان نقشه ماندگاری در تصوف منطقه داشته‌اند نام می‌برد. نه‌ری ابتدا به توصیف سلسله پیران طریقه خالدیه می‌پردازد و در این بین، سلسله سادات شمزینی و خاندان خود را معرفی می‌کند و در ادامه به یکی از بزرگان و شاگردان بلند پایه نقش بندیه در کردستان به نام شیخ سرازالدین سید عبدالله اشاره می‌کند و سپس از شیخ احمد اربیلی نام می‌برد.

آنگاه گریزی به استاد مولانا خالد، یعنی شاه عبدالله دهلوی دارد. شیخ در بیش شصت بیت به توصیف کرامات مولانا خالد می‌پردازد.

تعلیمات و مضامین نقشبندیه

شیخ عبیدالله در تألیف کتابش، از شخصی به نام احمد نام می‌برد و او را چون حسام‌الدین خطاب می‌کند (البته معلوم نیست که آیا چنین شخصی در حقیقت بوده یا خیر، یا به نظر می‌رسد که همان شاه نقشبند باشد. شاید نام احمد هم به مناسبت و تناسب با نام حضرت محمد مصطفی گره خورده باشد) و این‌گونه مولوی وار می‌گوید:

احمدا برگیر شمشیر از نیام	فتح کن این داستان و این کلام
تیغ خود چون در ره شه می‌زنی	وین جهاد از بهر شاهنشہ کنی
حق خدمت هیچ‌کس ضایع نکرد	خاص شاهی که بود خاص احد
تو مرا همچون حسام‌الدین بدی	نامق احوال شاه دین بدی
گر منم هیچ و کم از هیچم بدان	مثنوی‌ام گشت نعت کاملان
می‌شود دستان بزم قدسیان	داستان بارگاه عرشیان

(نه‌ری، ۱۳۹۴: ۱۳۲)

در همین‌جا تاریخ تحریر و سرودن کتاب را به حساب جمل «عاشق روی خدا» می‌نامد و آوازه اثرش را تا مریخ در سر می‌پروراند:

عاشق روی خدا تاریخ شد	زین قیاس آواز تا مریخ شد
از رجای دوستان چون گفته شد	تحفه الاحباب نام آورده شد
از برای هر مریدی تحفه باد	بهر تحصیل مطالب مژده باد

(همان)

در همین جاست که هدف نهایی و غایی از سرایش کتاب را تعلیم و تحصیل طالبان و عاشقان و سالکان تصوف می‌داند و به‌نوعی متأثر از انگیزه‌های مولوی بلخی است:

باعث فتح قلوب و جان شود	طالبان را ذوق بی‌پایان شود
علت غایی ز تألیف کتاب	مثنوی مولوی مستطاب
نزد مولانا جلال‌الدین همان	که نشان بدهد ز شور عاشقان
استعارات و اشاراتش بسی	بود مستور از عقول هرکسی
تو یقین دان کین کتاب پر جلال	هست چون استاد اندر علم حال

(نهری، ۱۳۹۴: ۱۳۳)

نهری، در آداب و رسوم و تعلیمات نقشبندیه شاعر به توضیحات و تعلیمات بسیار لازمی توجه دارد که بر سالکان طریقت برای طی طریق لازم می‌داند. مهم‌ترین آن‌ها این‌گونه ذکر می‌کند: جذبه سلوک و اذکار آن، آداب و مقدمات ذکر، حجاب‌های سالک و رفع آن‌ها، ذکر نفی و اثبات، مراقبه، فنا و بقا که آن را نتیجه سیر و سلوک می‌داند، لطایف خمسه و علامات ذکری آن، اوراد ظاهری و ...

نتیجه‌گیری

شناخت و بررسی اندیشه‌های عرفانی در مثنوی «تحفه الاحباب» شیخ عبیدالله نهری از نظر مایه‌های فکری پدید آورنده، در معرفی مفاهیم و تعلیمات عرفانی به‌ویژه عرفان نقشبندیه با نشان دادن ذهن هنری شاعر و قدرت خلاقیت و زبان و بیان خاص او، پژوهشی تازه است.

اهمیت مهم دیگر این تحقیق، بررسی این کتاب با توجه به نزدیکی تاریخ آن به دوره ما، می‌تواند بخشی از تاریخ ادبیات و عرفان اسلامی و ایرانی و تطور و تحول آن را برای ما مشخص کند و نقش عرفان را در دوره قاجار در مقطعی از تاریخ ادبیات اسلامی نمایان سازد. نکته مهم دیگر نقش عرفان در تحولات دینی، اسلامی و اجتماعی - سیاسی را با توجه به موقعیت اجتماعی، سیاسی و نقش رهبری مذهبی شاعر کتاب در دوره وی را تا حدی می‌توان آگاهی یافت.

مضامین اصلی در تحفه الاحیاب مبتنی بر عرفان است و در مرکز اندیشه نهری معانی عرفانی قرار دارد. او با تکیه بر پیوند دیرینه عرفان برای بیان دریافته‌های خویش از ابزارهای هنری - ادبی گوناگون استفاده می‌کند تا پیامش را به آسانی انتقال دهد. این منظومه معنا محور است و صورت در همه جا در خدمت معناست و شیخ به خوبی از عهده هم سو کردن معنا و صورت برآمده است و برای تأثیرگذاری بر مخاطب، از ظرفیت‌های شاعرانه زبانش نیز به خوبی بهره می‌گیرد.

بخش قابل توجهی از اشعار نهری به مناسبات عشق آسمانی به ویژه شاه نقشبند (تاکید بر معشوق زمینی - آسمانی) است و یادآور داستان شمس و مولانا و در عین حال تعلیمات تصوف نقشبندیان است.

برجسته‌ترین نکته این اثر عرفانی، بخشی از منظومه است که به موضوع واقعی جنگ و مبارزه دو امپراتور عثمانی و تزار روسیه می‌پردازد. در اینجا هم به واقعه‌ای از تاریخ به صورت مستند می‌پردازد و هم نقش اجتماعی و سیاسی تصوف نقشبندیه در قالب اسلام سیاسی نمایان می‌شود. ادبیات عامه، بیان مرارت‌ها، تنگناها و امیدها... بخش‌های دیگر درون‌مایه اشعار او را شامل می‌شود.

با بررسی محتوایی شعر شیخ نهری می‌توان دریافت که شیخ، شاعری متعهد در عرصه کنش اجتماعی است. او معتقد است که مناسبات حاکم بر جهان کنونی نمی‌تواند به گونه‌ای بایسته، تعالی بخش وجود آدمی باشد و از این رو نیاز به دنیایی آرمانی در شعر ایشان دیده می‌شود.

منابع

- الگار، حامد (۱۳۹۸)، نقشبندیه، ترجمه داوود وفايي، تهران، مولى
- انصاری، قاسم (۱۳۷۵)، مبانى عرفان و تصوف، تهران، نشر طهورى.
- حائرى، محمدحسن، (۱۳۸۶) مبانى عرفان و تصوف و ادب پارسی، تهران: علمى
- حلبى، على اصغر، (۱۳۷۶)، مبانى عرفانى و احوال عارفان. تهران: انتشارات اساطير.
- روحانى، بابامردوخ (۱۳۹۰)، تاريخ مشاهير كرد، به كوشش محمدماجدمردخ روحانى، تهران: سروش
- رزمجو، حسين. (۱۳۷۴). انواع ادبى و آثار آن، ج ۳، مشهد: موسسه انتشارات آستان قدس.
- زرین کوب، عبدالحسين. (۱۳۸۱). نقد ادبى، تهران: انتشارات اميرکبير.
- سجادي، ضياء الدين، (۱۳۷۹)، مقدمه‌اى بر مبانى عرفان و تصوف. تهران: انتشارات سمت.
- شفيعى کدکنى، محمدرضا (۱۳۹۲) زبان شعر در نثر صوفيه، تهران: انتشارات آگاه.
- _____، (۱۳۸۳)، ادوار شعر فارسى، تهران: نشر سخن.
- شميسا، سيروس، (۱۳۸۱)، سبک شناسى شعر، چاپ هشتم، تهران: نشر فردوس.
- نهرى، شيخ عبیدالله (۱۳۸۱) مثنوى «تحفه الاحباب»، به كوشش اسلام دعاگو، اروميه: حسيني
اصل
- <http://www.khalifa.blogfa.com/post/۳۳> وبلاگ گيلانى زاده ،حکيم(۱۳۹۰)

